**جنگ نرم از منظر اسلام با نگاهی بر وصیت­نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی**

 حمید سلیمانی خورگو/ داود سعیدی[[1]](#footnote-1)\*

 **چکیده**

بررسی علل و عوامل بروز جنگ، یکی از مهم­ترین موضوعات در مطالعه­ی جنگ­هاست، چرا که با این بررسی، چرایی وقوع جنگ آشکار می شود؛ موضوعی که می­تواند زمینه­ای برای جلوگیری از جنگ­های بعدی باشد. علل و عوامل موثر در بروز جنگ میان ملت­ها را می­توان در حوزه­های گوناگون اختلافات و تعارضات سیاسی، قدرت­طلبی و فزون­خواهی، رقابت‌های اقتصادی و درگیری­های مرزی و غیره جستجو کرد.

جنگ نرم، حالت تنش و مخاصمه‌ای شدید است که بین کشورها پدیدار می‌شود و مانورهای سیاسی، مشاجره‌های دیپلماتیک، جنگ‌های روانی، مخاصمه‌های ایدئولوژیک، جنگ اقتصادی و رقابت برای کسب قدرت، از مختصات آن است. هدف‌های این تهاجم می‌تواند تضعیف روحیه و وحدت ملی، ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت، نافرمانی مدنی، افزایش ناکارآمدی حاکمیت و تضعیف اراده­ی مقاومت در مردم، باشد. این نوشتار با بیان نظری، درصدد تطبیق و بررسی مفاهیم، ویژگی­ها و ابعاد جنگ نرم با رویکرد اسلامی نسبت به موضوع جهاد، است. همچنین در این پژوهش به سؤالاتی چون شدّت و حساسیّت موضِع اسلام در قبال جنگ نرم به نسبت جنگ سخت با نگاهی به وصیت­نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و اینکه آیا این موضِع می­تواند موضِع فتنه و جهاد اکبر باشد پاسخ داده شده­است. پژوهش حاضر به راهکارهای مقابله و بحث جهاد اکبر به ‌عنوان یک راهبرد عملیاتی و راه مقابله با هجوم فرهنگی نرم دشمن، نیز توجه دارد.

 **کلید واژه:** جنگ نرم، وصیتنامه سردار سلیمانی فتنه، پدافند عامل و غیرعامل، جهاد اصغر و اکبر

**درآمد**

 جنگ در لغت به معنای جدال و قتال، کارزار، ستیزه، نبرد، پیکار، غزوه، حرب، و... نقل شده است(دهخدا، 1377: ج5، 7878 ). فرهنگ علوم سیاسی جنگ را مبارزه­ی مسلحانه بین کشورها یا مردم یک کشور برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی تعریف می‌کند(آقابخشی،1373: 246).

 فرهنگ علوم اجتماعی، جنگ را آزمودن نیرو با استفاده از اسلحه، بین ملت‌ها (جنگ با نیروی خارجی) یا گروه‌های رقیب در داخل کشور (جنگ داخلی) تعریف نموده است(بیرو، 1375: 449). گاستون بوتول[[2]](#footnote-2) جامعه‌شناس معاصر فرانسوی، جنگ را، مبارزه‌ای مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته می‌داند. جنگ، کشاکش و برخورد مسلحانه میان دو یا چند سو، و در سیاست، کشاکش و برخورد مسلحانه میان دو یا چند دولت (جنگ خارجی) یا در درون قلمرو یک دولت میان قدرت حاکم و قدرت‌های مدعی (جنگ داخلی) است (آشوری، 1378: 11).

 با این تعاریف اختصاری، برداشت اولیه از جنگ، نبرد مسلحانه است؛ اما با بررسی دیدگاه‌های برخی از صاحب‌نظران مسائل نظامی، مشخص می‌شود که از جنگ، معنایی وسیع‌تر از برخورد مسلحانه نیز اراده شده است. سن­تزو[[3]](#footnote-3) یکی از نظریه‌پردازان چینی قرن چهارم پیش از میلاد، اصول جنگ را عبارت از تحمیل اراده­ی خود به دشمن، وادار کردن او به پراکنده شدن و کسب دائم اطلاعات از دشمن قلمداد کرده و در واقع جنگ را برخورد و اراده می‌داند. مائو تسه­تونگ[[4]](#footnote-4) پایه­ی هر نوع جنگ را اغفال، فرض می‌نماید و برتری روانی توده‌ها و بسیج تمامی توان آن را، مسأله­ی اصلی جنگ می‌داند(متفکر، 1381: ‌17).

 بررسی تاریخی جنگ­ها نشان می­دهد که تا سال 1945 غالب جنگ­ها جنگ سخت (یعنی با به کارگیری توان نظامی- امنیتی به وسیله­ی کشورها) بوده و پس از آن با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و بلوک غرب شاهد دور جدیدی از رقابت­ها میان آمریکا و شوروی سابق بودیم که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ سرد مشهور شد. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم می­باشد که طی آن دو ابر­قدرت در عین تهدید­های سخت و نظامی از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می­کردند. با فروپاشی شوروی در سال 1991 میلادی و پایان جنگ سرد کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می­شود با هزینه­ی کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت، که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ نرم شهرت یافت.

 جنگ نرم در قالب­های مختلف مثل: انقلاب مخملی، انقلاب­های رنگی(انقلاب نارنجی و...)، عملیات روانی، جنگ رسانه­ای و... و با استفاده از ابزار رسانه­ای(رادیو، تلویزیون، ماهواره، روزنامه و امثال آن) توانست نظام سیاسی بعضی از کشورها مانند اوکراین، گرجستان، را تغییر دهد.

 با توجه به غالب بودن جنگ نرم در عصر حاضر، اهمیت، پیچیدگی و صورت­های مختلف آن که با استفاده از ابزارهای رسانه­ای روز، منجر به تغییرات تدریجی و گسترده در حوزه­های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها می­شود، باید شناخت درستی از ویژگی­ها، خصوصیات، اهداف، ابزارها، تاکتیک­ها و راه­های مقابله با آن داشته باشیم.

 از جنگ، تعریف واحدی نشده است. اصولاً از هیچ واژه­ی مربوط به حوزه­ی علوم انسانی، مفهوم یكسانی وجود ندارد؛ از این رو، هر كس و هر اندیشه‏ای جنگ را به گونه‏ای تعریف می‏كند كه با تعریف دیگری ناسازگار است. تعدد در تعریف جنگ، تنوع در طبقه‏بندی و انواع آن را نیز پدید می‏آورد.

 مفهوم جنگ نرم (soft war) كه در مقابل جنگ سخت (hard war) مورد استفاده واقع می­شود، دارای تعریفی واحد كه مورد پذیرش همگان باشد، نیست و تا حدی تلقی و برداشت افراد، جریان­ها و دولت­های گوناگون از جنگ نرم متفاوت است (yasinmedia.com).

 جان­كالینز[[5]](#footnote-5)، تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریكا، جنگ نرم را عبارت از “استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فكری دشمن با توسل به شیوه­هایی كه موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود”، می­داند(کالینز،1370: 487).

 ارتش ایالات متحده در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف نموده است: “جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است كه منظور اصلی آن تاثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی­طرف و یا گروه­های دوست است، به نحوی كه برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد”. با عنایت به تعاریف فوق، معروفترین تعریف را به جوزف ­نای[[6]](#footnote-6)، پژوهشگر برجسته آمریكایی در حوزه­ی “قدرت نرم” نسبت می­دهند. وی در سال1990 میلادی در مجله­ی “سیاست خارجی” شماره­ی 80، قدرت نرم را “توانایی شكل­دهی ترجیحات دیگران” تعریف كرد. تعریفی كه قبل از وی پروفسور حمید مولانا در سال1986 در كتاب “اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین الملل” به آن اشاره كرده بود. با این وجود مهمترین كتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال2004، تحت عنوان “قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی” منتشر نمود(2004: 3 ,Nye).

 بنابراین جنگ نرم را می­توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه­ای كه جامعه­ی هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شكست وا می­دارد، دانست. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه­ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشكال جنگ نرم است(ماه­پیشانیان، 1387).

 در یك تعریف كامل­تر می­توان گفت، جنگ نرم یك اقدام پیچیده و پنهان متشكل از عملیات­های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت­های بزرگ جهان برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در كشورهای هدف است(www.abna.ir)

 از دیدگاه قرآن **پیشینه­ی جنگ نرم به آغاز تقابل حضرت آدم(ع) و حضرت حوا (س) با شیطان بر می­گردد. شیطان در گمراه نمودن انسان از همه­ی امکانات و راهکارهای خود نظیر سیاست در کمین، سیاست گام به گام ، سیاست پیگیری مداوم و سیاست هجوم جمعی و همه­جانبه و افراد جنّی و انسی خود استفاده می­کند. آن چه در این میان جلب توجه می­نماید پیچیده­تر شدن جنگ نرم در گذر زمان است. در زمان پیامبر (ص) شیطان از همه­ی تجربیات و ابزارهای خود برای مقابله با پیامبر(ص) و اصحابش استفاده می­نماید.**

در قرآن كريم، آيات زيادي وجود دارد كه بيش‏تر آن‏ها ناظر به جنگ‏هاي صدر اسلام در عصر پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله مي‏باشد. بخشي از اين آيات در مقام پاسخ‏گويي به جنگ رواني دشمن بوده و در صدد است كه آن‏ها را خنثي كند، بخش ديگري از آيات، كه جنبه تعرضي دارد، مي‏خواهد روحيه­ی طرف مقابل را تحت تأثير قرار داده، به تسليم وادارد؛ بخشی از این آيات هم، نيز در زماني كه مسلمانان احساس‏ضعف و شكست مي‏كنند، درصدد تقويت روحيه­ی آنان است.

 با مطالعه­ی سنت نيز مي‏توان روايات متعددي را در اين زمينه ذكر كرد. از مهم‏ترين روايات در اين باب، رواياتي است كه حاكي از جواز به كاربردن خدعه در جنگ است: «الحرب خدعة‏»(مجلسی، ج32، 617). جنگ رواني از مصاديق بارز «خدعه‏» به معناي «مكر، حيله و فريب‏» است(بندرریگی به نقل از معلوف، 1382: 368).

آوردن بخشی از وصیت­نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که خطاب به سیاسیون و نیروهای مسلح و علماء و مراجع کشور بوده در پشتیبانی از ولایت فقیه؛ اهمیت مسأله و نقش مواجهه و مقابله با جنگ نرم را بیش از پیش روشن می­گرداند:

نکته ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آن هایی [که] اصلاح طلب خود را می نامند و چه آنهایی که اصولگرا. خدا و قرآن و ارزش ها را فراموش می کنیم، بلکه فدا می­کنیم. ، ما در دو مقطع ً آنچه پیوسته در رنج بودم اینکه عموما عزیزان، هر رقابتی با هم می کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره هایتان به نحوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می خواهید با هم باشید شرط با هم بودن توافق و بیان صریح حول محور اصول است. اصول مطول و مفصل نیست. اصول عبارت، از چند اصل مهم است:

۱. اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می گویم ولایت تنوری و نه می­گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل ­نمی­کند؛ ولایت قانونی، خاصا عامه مردم اعم از مسلم و غیر مسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

۲. اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش ها تا مسئولیت ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.

۳. به کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره خان­های سابق را تداعی می­کنند.

۴. مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند.

۵. در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بداند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه گر ارزشها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزشها را بایکوت کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی مبالاتی و به خاطر احساسات و جلب برخی از آراء احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده ها را از هم بپاشاند. حکوم تنها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می گیرد.

خطاب به برادران سپاهی و ارتشی

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارتشی های سپاهی دارم: ملاک مسئولیت ها را برای انتخاب چون ولایت در نیروهای مسلح، را شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی­کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جزء نیست، بلکه اساس نیروهای مسلح است. این شرط خلل ناپذیر می باشد. نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست های او و اخذ تصمیم به موقع و عمل به موقع است. هریک از اینها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدای دارد.

خطاب به علما و مراجع معظم

سخنی کوتاه از یک سرباز 40 ساله در میدان به علمای عظیم شأن که موجب روشنایی جامعه و زدودن تاریکی­ها در جامعه هستند؛ خصوصا مراجع عظام تقلید، سربازتان از یک برج دیده­بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزشهای آن که شما در حوزه­ها برای آن زحمت کشیده­اید، از بین می­رود. این دوره­ها با همه دوره­ها متفاوت است. این بار اگر (دشمنان) مسلط شوند، از اسلام چیزی باقی نمی­ماند. راه صحیح همان حمایت بدون هر گونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیاندازند. همه شما امام راحل(ره) را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی فقیه است. من با عقل ناقص خود میدیدم که برخی خنّاسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است، جمهوری اسلامی، ارزش­ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی(ره) هستند و می­بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت­الله خامنه­ای را خیلی تنها و مظلوم می­بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست. شما حضرات معظم با دیدارهایتان و حمایت­هایتان از ایشان باید جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید مثل زمان شاه ملعون هم نخواهد بود؛ بلکه سعی استکبار بر الحادی­گری محض و انحراف عمیق غیر قابل بازگشت خواهد بود. (مرکزفرهنگی قرآن وعترت نهادنمایندگی مقام معظم رهبری دردانشگاه علوم پزشکی تهران)

**سوالات پژوهش**

- رویکرد اسلام و تاریخ آن، نسبت به جنگ نرم چگونه بوده است؟

- آیا موضع اسلام و شهدای عظیم شأن اسلام همانند سردار شهید حاج قاسم سلیمانی درقبال جنگ نرم می­تواند، همان رویکرد فتنه و در مقابل، رویکرد جهاد اکبر ­باشد؟

**فرضیه­های پژوهش**

- با نگاهی اجمالی به کتاب، سنت و تاریخ تحلیلی اسلام، می­توان شواهدی را دالّ بر مفید و مضربودن جنگ نرم استنباط نمود.

- تحلیل فتنه و جهاد اکبر و اصغر می­تواند به تبیین و شفاف­سازی ابعاد گفتمان جنگ نرم، از دیدگاه کتاب و سنت، یاری رساند.

در پژوهش حاضر، سعی­شده با بیان توصیفی تحلیلی به تبیین و تطبیق ابعاد، منافع، آسیب­ها، پیامدها و راهکارهای جنگ نرم با کتاب و سنت پرداخته­شود.

**2. پیشینه­ی جنگ نرم**

 گروهی جنگ نرم را پدیده­ای بسیار پرقدمت می­دانند. اینان بر این باورند که بروز و ظهور پدیده­ی جنگ نرم، همزاد شکل­گیری زندگی اجتماعی و حکومت­هاست. ملتون و همکارانش[[7]](#footnote-7) در این گروه جای می­گیرند. به گمان ملتون و همکارانش، سران حکومت­ها از دیرباز در پی آن بوده­اند تا با بهره­گیری ساز و کارها­ی غیر نظامی(غیر سخت) قدرت رقبا و دشمنان خویش را محدودسازند و اراده­ی خویش را بر آنان تحمیل نمایند. این مؤلفان در تأیید ادعای خویش از شواهد متنوعی از جمله کتاب «هنر جنگ» سان­تزو، راهبردپرداز چینی یاد می­کنند (Melton and et.al, 2005). سان­تزو به حکّام و فرماندهان کشورش توصیه می­کند با بهره­گیری به موقع از روش­های غیرنظامی، اراده­ی خود را بر دشمن تحمیل کنند و از آن راه قدرت نظامی خویش را بیشتر نمایند(نائینی، 1389: 11).

 نگاهی به گذشته‌ی جنگ نرم نشان می‌دهد كه در طول تاریخ بشر، از همان ابتدا كه جنگ سخت آغاز شد، عملیات روانی یا جنگ نرم نیز صورت می‌گرفته تا از شورش‌هایی كه در مناطق تسخیر­شده ‌بوجود می‌آمده، جلوگیری شود. زمانی كه چنگیزخان قصد حمله به منطقه‌ای را داشت، موجی از هراس در آن كشور پخش می‌شد. تجّاری كه از مناطق تحت كنترل چنگیزخان می‌آمدند، برای دیگران تعریف می‌كردند كه او چگونه با مردم برخورد می‌كند و كشتارها به چه صورت است و اگر شخصی مقاومت كند، نابود می‌شود. بدین ترتیب پیش از ورود چنگیزخان به هر منطقه، روحیه‌ی مردم شكسته شده بود.

 رومیان و یا اسكندر از مناطقی كه در جنگ‌ها عبور می‌كردند، خُودها و زره‌های بزرگی را كه چند برابر انسان معمولی بود طراحی كرده و آن‌ها را عمداً در مسیر جا می‌گذاشتند تا لشكریان مقابل، تصوركنند سربازان آن‌ها غول­پیكرند و عملاً روحیه‌ی مقاومت طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و وحشت را گسترش می‌دادند. بنابراین هر حركتی كه روحیه‌ی یك ملت را هدف گیرد، عملیات و جنگ نرم و نوعی اعمال قدرت نرم است.

 «سان تزو» در كتاب «هنر جنگ» نكته­ای را مطرح می­كند و می­گوید: «می­شود جنگید، اما مهم­ترین كار این است كه شما در یك نبرد بدون جنگ، پیروزی را به دست بیاورید!» چیزی كه او مد نظر قرارداده، همان عملیات روانی و جنگ نرم است. باید به استراتژی­های رقیب و روحیه­ی او حمله كرد؛ به­گونه­ای كه آنها بپذیرند كه شكست خواهند خورد. اگر كسی در ذهنش بپذیرد كه شكست می­خورد، حتماً در دنیای واقع نیز شكست خواهد خورد. زیرا آنچه فرد را به مقاومت تشویق می­كند، روحیه است.

 از سوی دیگر، هزینه‌ی جنگ نرم بسیار كم‌تر از جنگ سخت است. به معاویه می‌گفتند: چرا این‌همه پول برای خرید افراد و تبلیغات خرج می‌كنی؟ یكی از پاسخ‌های معاویه این بود كه هزینه‌ی جنگ، بسیار بیشتر از این است. بنابراین معاویه نیز به گونه‌ای عملیات نرم انجام می‌داد اما امروزه به شكل علمی به این قضیه پرداخته می‌شود(ravayatgar.org).

 در قرآن كريم، آيات زيادي وجود دارد كه بيش‏تر آن‏ها ناظر به جنگ‏هاي صدر اسلام در عصر پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله مي‏باشد. بخشي از اين آيات در مقام پاسخ‏گويي به جنگ رواني دشمن بوده و در صدد است كه آن‏ها را خنثي كند، بخش ديگري از آيات، كه جنبه تعرضي دارد، مي‏خواهد روحيه طرف مقابل را تحت تاثير قرار داده، به تسليم وادارد؛ بخشی از این آيات هم، نيز در زماني كه مسلمانان احساس‏ضعف و شكست مي‏كنند، درصدد تقويت روحيه­ی آنان است.

 با مطالعه سنت نيز مي‏توان روايات متعددي را در اين زمينه ذكر كرد. از مهم‏ترين روايات در اين باب، رواياتي است كه حاكي از جواز به كاربردن خدعه در جنگ است: «الحرب خدعة‏»(مجلسی، ج32، 617). جنگ رواني از مصاديق بارز «خدعه‏» به معناي «مكر، حيله و فريب‏» است(بندرریگی به نقل از معلوف، 1382: 368).

 در فقه اسلامي، خدعه در جنگ جايز است. علامه حلّي‏رحمه الله در كتاب‏هاي تذكره و منتهي بر اين مطلب، ادعاي اجماع نموده است(نجفی، 1365: ج21، 80).

 رواياتي كه علماي اسلام براي جواز خدعه در جنگ بدان استدلال نموده‏اند، گوياي جواز جنگ رواني است.

 پيامبراكرم صلي الله عليه وآله با نقشي همه جانبه، كه در جنگ‏ها به كار گرفته بود، دگرگوني بزرگي در آيين نبردهاي جديد به وجود آورد. وي جنگ را به تمام جبهه‏ها كشاند و از هر سلاحي كه مي‏توانست ‏بهره گرفت؛ هم‏چنان كه نبرد همه جانبه در تمام جبهه‏ها جريان داشت، «جنگ رواني‏» نيز با شدت مورد استفاده قرار مي‏گرفت. جنگ‏هاي مسلحانه نتيجه عوامل نظامي، اقتصادي و رواني است و به همين دليل به «نبرد همه­جانبه‏» تعبير مي‏شود(مصطفی طلاس، 1354: 515، 516).

 قرآن كريم به مسلمانان ماموريت داده است تا كليه­ی نيروها و امكاناتي را كه مي‏توان در راه جنگ و دفاع و رسيدن به قدرتي بازدارنده به خدمت درآورد، فراهم كنند: «و شما بر (مقابله) با آن‏ها، هر چه در توان داريد، از آلات جنگي و اسبان تازه نفس و آماده، براي تهديد و ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم آوريد و بر ديگران كه شما بر دشمني آنان مطلع نيستيد و خدا به آن‏ها آگاه است نيز مهيا باشيد و...» (انفال 8 : آیه­ی 60) مرحوم طبرسي در اين‏باره مي‏نويسد: «اطلاق آيه "من قوه" شامل انواع سلاح‏ها، افراد آموزش‏ديده، تاسيسات و آموزشگاه‏هاي نظامي، استحكامات، وحدت صفوف و نيروها، تلاش و تكاپوي ملي، رشد و قدرت و استقلال اقتصادي، موضع برتر سياسي، استحكام باورهاي ايدئولوژيك و بالاخره، هر آنچه از پشتوانه مادي و معنوي كه مي‏توان به خدمت جنگ درآورد، مي‏گردد»(طبرسی، 1379: ج4، 852،853/ طباطبایی، 1414: ج9، 1149-1175).

 در تعریف جنگ­ روانی آمده­است: استفاده طراحی­شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه­هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت­ ملّی شود(بابندی به نقل از کالینز، 1370: 478).­

 یکی از موارد جنگ روانی شایعه است. «شايعه‏» خبري است كه زبان به زبان مي‏گردد و بدون هيچ‏گونه تفحص و تحقيق و حصول يقين از صحت‏ يا سقم آن، به صورت شفاهي ميان افراد انتشار مي‏يابد و اگرچه به نظر خُرد و آسان مي‏آيد، ولي مي‏تواند پيامدهاي گران و زيان‏باري براي جامعه داشته باشد. از جمله شايعات تند و شديد كه در زماني كوتاه، گروه وسيعي را زير پوشش گرفت و انفعال و اضطراب فوري ايجاد كرد، شايعه قتل پيامبر صلي الله عليه وآله در نبرد احد بود. در اين نبرد، ابن­قميئه­ليثي به مصعب­بن­عمير پرچمدار سپاه اسلام، حمله آورد و پس از زد و خوردي شديد، او را به شهادت رساند و به گمان اين‏كه پيامبر را كشته است، فرياد برآورد: «پيامبر را كشتم!»(واقدی، 1388: ج1، 232). اين خبر دروغ، به سرعت ميان دو طرف درگير انتشار يافت و قريش يك‏صدا فرياد مي‏زدند: «محمد به قتل رسيده است!» در نتيجه، دشمن جرأت يافت و لشگر قريش موج آسا به حركت درآمد. از سوي ديگر، روحيه­ی مجاهدان مسلمان نيز به شدت تضعيف گرديد. حزب نفاق، كه در هر صحنه منتظر فرصت جهت تخريب و تضعيف است، به انتشار اين خبر دامن زده، گفتند: اگر او پيامبر بود، كشته نمي‏شد. به آيين نخست‏خود (جاهليت) بازگرديد! تا آن‏جا كه برخي از مسلمانان به يكديگر گفتند: كاش در اين‏جا كسي بود كه ما او را نزد عبدالله­بن­اُبي مي‏فرستاديم تا او از ابوسفيان برايمان امان بگيرد. انس­بن­نضر چون اين سخن را شنيد، با ناراحتي گفت: اگر محمد كشته شده است، خداي محمد كه كشته نشده، برخيزيد و در همان راهي كه محمد كشته شد، شما هم جنگ كنيد!(طبرسی، 1379: ج2، 849).

 از جمله شواهد تاریخی اسلام بر این امر می­توان عملیات­ها و جنگ­های­روانی دوره­ی خلافت حضرت علی(ع) را نام برد که این عملیات­ها را می­توان در قالب موارد ذیل دسته­بندی نمود:

- شبهه انگیزی: شبهه باطلی است که به حقیقت شبهات دارد به گونه ای که تمییز آن کاری آسان نیست. حضرت علی(ع) در نامه­ی سی و دوم نهج البلاغه معاویه را به شبهه­انگیزی متهم می­کند. یکی از شبهات مطرح شده علیه ایشان، اتهام دست داشتن در قتل خلیفه­ی مقتول، عثمان، بود. در جنگ جمل شبهه­ی تقدّس افراد مطرح شد. برای مسلمانان این سئوال وجود داشت که آیا می شود طلحه و زبیر دو صحابی بزرگ پیامبر(ص) و عایشه، ام المومنین بر باطل همدست شوند؟

 و شاید سخت ترین شبهات، شهبه­ی حکمت خداوند بود که در جنگ صفین مطرح شد و باعث انشعاب در سپاه امام گردید. شبهه حکمیّت از موارد عملیات روانی تاکتیکی محسوب می­شود که نتیجه­ی آن کاهش روحیه و کارایی رزمی و ایجاد تفرقه و آشفتگی در سپاه امام بود(دشتی، 1386: 432).

- ترور شخصیت: هجمه­ها آن­قدر علیه خلیفه مسلمین بود که عده­ای از جوانان شامی از دیدن نماز خواندن ایشان تعجب کردند و حتی خوارج ایشان را به کفر متهم ساختند. امام در خطبه بیست و هفت نهج البلاغه در نکوهش کوفیان می­گوید که با نافرمانی خود چنان رأی و تدبیر مرا تباه کردید که قریش مرا به بی­دانشی در امور نظامی متهم می­کند(همان: 61). ترور شخصیت امام علی(ع) تا آنجا پیش می رود که مردم عراق او را به دروغگویی متهم می­کردند. در خطبه­ی هفتاد و یک نهج البلاغه آمده است:

 پس از ستایش پروردگار ! ای مردم عراق ! ... آگاه باشید! من با اختیار خود به سوی شما نیامدم بلکه به طرف دیار شما کشانده شدم، به من خبر دادند که می­گویید علی دروغ می­گوید(همان: 92).

- تبلیغات گسترده: جعل خبر و انتشار گسترده­ی آن از دیگر شیوه­های مخالفان امام بود. خبر قتل خلیفه­ی سوم عثمان به گونه­ای پخش شد که انگار به تحریک حضرت علی و یا همراهی ایشان بوده است. مخالفان در جنگ جمل و صفین خود را خون­خواه خلیفه­ی مقتول می­دانستند. تبلیغات وقتی دانش و درایت مردم در سطح پایینی باشد نقش مؤثری در تحریک و برانگیختن مردم دارد(منتظرالقائم، 1386).

- استفاده ابزاری از دین و مقدسات: دین و مقدسات نقش مهمی در برانگیختن مردم ایفا می­کنند. استفاده از ظاهر دین و متشابهات­دینی شایع­ترین نحوه­ی استفاده ابزاری از دین است. جامعه­ی کاملاً مذهبی دروه­ی حضرت علی (ع) زمینه را برای طراحی و اجرای چنین شیوه­ای فراهم کرد. صحابه بزرگ پیامبر(ص) در واقع شخصیت­های کاریزماتیک[[8]](#footnote-8) این عصر بودند. معیار مردم برای سنجش حق و باطل این این اشخاص بودند. نمونه­ی بارز عصر حاضر خصومت­سازی بین شیعه و سنی، و دامن زدن این خصومت­ها توسط فرقه­ی ضاله­ی وهابیّت و برخی کج­اندیشان می­باشد.

 خوارج با استناد به قرآن شعار «داوری تنها از آن خداوند است» را سر دادند. و همانطور که امام که در خطبه­ی چهل فرمودند کلمه­ی آنها حق بود ولی از آن اراده­ی باطل کردند(دشتی، 1386: 73).

 یاران امام در جنگ صفین زمانی که قرآن بر سر نیزه­ها رفت تسلیم استفاده ابزاری از تقدّس قرآن شدند. معاویه جنگ شکست خورده را با این حربه به پیروزی تبدیل و امام را مجبور به تغییر تاکتیک کرد.

- تهدید و تطمیع : سواد جامعه عصر امام به خاطر موقعیت متزلزل اقتصادی، اجتماعی و سیاسیشان بیشتر مذبذب[[9]](#footnote-9) بودند و با هر فشاری به انفعال سیاسی کشیده می­شدند. به همین خاطر تهدید راهکار معاویه برای همراهی و به انزوا کشاندن توده مردم بود. دراخبار الطوال می­خوانیم که فرستاده معاویه خطاب به یاران امام گفت:

 اینکه سخن مرا گوش دهید و بفهمید من در شام پنجاه هزار مرد را پشت سر گذاشته­ام که زیر پیراهن عثمان ریش­های خود را از اشک خود خیس کرده­اند و پیراهن عثمان را بر سر نیزه زده­اند و سوگند خورده­اند که شمشیرهای خود را غلاف نخواهند کرد تا قاتلان عثمان را بکشند یا در این راه از جان خود بگذرند.

 خوارج نیز از همان ابتدای ظهور خود جامعه اسلامی را مورد تهدید قرار دادند. در مروج الذهب مسعودی آمده است:
 خوارج در مدائن عبدالله ابن خباب را بکشتند، سر او را ببریندند و شکم زنش را که آبستن بود دریدند و زنان دیگری را نیز بکشتند(منتظرالقائم، 1386).

امّا راهکار معاویه برای نخبگان جامعه نه تهدید بلکه تطمیع بود. بزرگترین تطمیع معاویه دادن حکومت مصر به عمروعاص بود. در اخبارالطوال آمده است که عمروعاص به معاویه گفت:

 ولی اگر من تو را در کارت همراهی و یاری­کنم تا به آنچه می­خواهی برسی چه­چیز بهره­ی من خواهد بود؟ معاویه گفت هر چه خودت بگویی، عمرو گفت تا هنگامی که تو فرمانروا باشی حکومت مصر ویژه من باشد.

**3. فتنه یا جنگ نرم**

یافتن معادلی برای واژه­ی فتنه در زبان فارسی و ادبیات سیاسی معاصر که به طور کامل محتوای مورد نظر آن را منتقل کند کاری بس دشوار است. در ادبیات عرفی فارسی­زبانان، این واژه حاوی نوعی شیطنت، حیله­گری و آشوب و بلواست که به منظور بهره­برداری­های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نامطلوب از سوی برخی سودجویان به­کار گرفته می­شود. برخی از معانی فتنه عبارتند از: حجّت و دلیل، شرک، کفر، عذاب و قتل. برخی از لغت­شناسان در وجه جمع معانی و کاربردهای متفاوت واژه­ی فتنه در زبان عربی گفته­اند: ریشه­ی همه­ی این معانی یک چیز است و آن عبارت است از «اختلال همراه با اضطراب».

 فتنه نسبت به وضع سابق و نظم ظاهری موجود، امری ناپسند و شرّ به شمار می­آید؛ زیرا اختلال و اضطراب است، امّا نسبت به نتیجه­ یا فتنه­ای که به طور متقابل، حاصل می­شود، خیر یا شربودن آن به نوع مواجهه­ی افراد یا جوامع با آن بستگی دارد(علوی­فر، 1390).

 در مورد خیربودن فتنه می­توان گفت به جهت اینکه فتنه از آزمایش­ها و امتحانات الهی است باعث تقویت و شناخت نقاط قوت و ضعف موجود در انسانها و جامعه می­گردد. علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان، سنت امتحان را از سنت­های جاری الهی و از لوازم هدایت عامّه­ی خداوند می­داند به همین دلیل آن را سنت­ حتمی و غیرقابل نسخ معرفی می­کند و معتقد است که نسخ سنت امتحان عین فساد تکوین است و این محال است:

 سنت الهی امتحان، همانطور که در میان جوامع و امّت­های گذشته همچون امّت­های نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، لوط، شعیب و موسی(ع) جاری شده است، در میان جوامع و امت­های کنونی و آینده نیز جاری خواهد شد(طباطبایی، 1414: ج16، 99).

 یکی از واژگان پربسامد در ادبیات اسلامی واژه­ی فتنه است. این واژه 30 بار و مشتقات آن 16 بار در قرآن کریم به کار رفته­اند. مسأله­ی فتنه در سخن امام علی(ع) نیز مشحون از مبارزات عملی با فتنه­های دینی، سیاسی و اجتماعی آن روزگار است. قرآن کریم فتنه­گری و فتنه­انگیزی در جامعه را شدیدتر و بزرگ­تر از کشتن انسان­های بی­گناه دانسته و می­فرماید:

 الفتنه اشد من القتل؛ فتنه شدیدتر از قتل است(بقره، 91). در آیه­ای دیگر، از ضرورت مبارزه با فتنه به این صورت یاد شده: و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و اعلموا أن الله شدید العقاب؛ از فتنه­ای که تنها به ستمکاران شما نمی­رسد بترسید و بدانید که خداوند سخت کیفر است( انفال، 25). همان­گونه که مفسر بزرگی چون علامه طباطبایی(ره)، تصریح کرده­است، مخاطب این آیه همه­ی امت اسلامی و جامعه­ی مؤمنان است. مضمن این آیه این است که همه­ی جامعه­ی اسلامی و همه­ی مؤمنان موظف­اند با فتنه­هایی که هرچند در ظاهر مخصوص ظالمان و ستمگران است، مبارزه کنند؛ چراکه آسیب­ها و آفات فتنه، همگان را دربر خواهد گرفت. در ذیل همین آیه­ علت این توصیه بیان شده­است که اگر مسلمانان وظیفه­ی خود را در مقایسه با فتنه­ها انجام ندهند، عذاب­های شدید الهی در دنیا و آخرت نصیب آنان خواهد شد؛ عذاب­هایی چون اختلافات اجتماعی، ناامنی، قتل و فساد و امثال آن در این دنیا و عذاب جهنم در روز قیامت. ثمره­ی فتنه چیزی جز ضعف اجتماع مسلمانان و ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف آنان و در نتیجه ذلت و خواری حکومت و جامعه­ی اسلامی در برابر دشمنان دین نخواهد بود(علوی­فر، 1390).

 بر همه­ی افراد جامعه­ی اسلامی- به ویژه خواص و نخبگان و بویژه نخبگان سیاسی- لازم است ضمن شناسایی فتنه­ها و آگاهی­دادن، جامعه تلاش کنند، آتش فتنه را خاموش کنند و ریشه­ی آن را بسوزانند، قرآن کریم به همه­ی مسلمانان دستور می­دهد تا رفع کامل فتنه از جهان و تحقق کامل دین­ الهی در سرتاسر گیتی، با دین­ستیزان مبارزه کنند و لحظه­ای در این راه درنگ نداشته باشند:

و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله(انفال، 39)؛ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه­ای نباشد و دین مخصوص خدا شود.

 روشن است این دستورات قرآن به مبارزه با فتنه و فتنه­گران، لزوماً، دستور به مبارزه­ی سخت و جهاد فیزیکی نیست، بلکه مبارزه­ی نرم و جهاد فکری و علمی و فرهنگی را هم شامل می­شود. نکته­ی قابل اشاره این است که فتنه­های سیاسی و اجتماعی همچون بسیاری دیگر از مناسبت­های اجتماعی و سیاسی، در دوران گذشته با برنامه­ریزی پیچیده همراه نبود؛ امّا امروز برای ایجاد فتنه در یک جامعه، سال­ها برنامه­ریزی می­شود. تحقیقات مختلف جامعه­شناختی، مردم­شناختی و روان­شناختی گسترده­ای درباره­ی جامعه­ی هدف صورت می­گیرد. مهره­های اصلی فتنه از قبل شناسایی می­شوند و آموزش­های لازم علمی و روان­شناختی را می­بینند و آرام آرام در جای خود چیده­ می­شوند. از طریق مطبوعات، رسانه­ها، رمان­ها، کتاب­های درسی و غیردرسی و فعالیت­های تفریحی و گردشگری، ترویج مُدها و مدل­های جدید، ترویج روحیه­ی مصرف­گرایی و مصرف­گرایی و مصرف­زدگی، سیاه­نمایی درباره­ی فعالیت­های مثبت انجام شده و مهم­تر از همه از راه شُبه در باورها و ارزش­های مورد قبول جامعه­ی هدف و به­طور کلی از همه­ی راه­های ممکن، می­کوشند تا آرام آرام حساسیت­های دینی و ارزشی مردم را تضعیف کنند و بدین ترتیب بسترهای لازم را برای براندازی نظام حاکم را فراهم سازند تا با کمترین هزینه بتوانند به هدف خود دست یابند(همان).

**4. جهاد اکبر؛ پدافند غیرعاملِ مقابله با جنگ نرم**

پدافند عامل ( Active Defens) در جنگ سخت، عبارت است از بکارگیری مستقیم جنگ­افزار، به منظور خنثی­نمودن یا کاهش اثرات عملیات خصمانه­ی هوایی، زمینی، دریایی، نفوذی و خرابکارانه بر روی اهداف مورد نظر؛ در مقابل پدافند غیرعامل ( Passive Defens)، مجموعه اقداماتی است که انجام می­شود تا در صورت بروز جنگ خسارات احتمالی به حداقل میزان خود برسد. به بیان دیگر هر اقدام غیرمسلحانه­ای که موجب کاهش آسیب­پذیری نیروی انسانی، ساختمان­ها، تأسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان­های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن گردد پدافند غیرعامل گفته می­شود(معاونت پدافند غیرعامل، 1383: شماره1 )

 پدافند غیرعامل جنگ نرم به مسائلی می­پردازد که موجب کاهش صدمات و شکاف­ها در باور نیک افراد جامعه در حین جنگ و پس از آن شود. این پدافند، میزان تاثیرگذاری حملات نرم را کاهش داده و قدرت بازپروری افکار را در مدت کوتاهی پس از آن افزایش می دهد.

 در جنگ سخت هر اقدام غیر­مسلحانه­ای که موجب کاهش آسیب­پذیری نیروی انسانی، ساختمان­ها، تاسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان­های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن گردد، پدافند غیرعامل خوانده می­شود. به بیان ساده­تر پدافند غیرعامل، مجموعه اقداماتی است که انجام می­شود تا در صورت بروز جنگ، خسارات احتمالی به حداقل میزان خود برسد. هدف از اجرای طرح­های پدافند غیرعامل کاستن از آسیب­پذیری نیروی انسانی و مستحدثات و تجهیزات حیاتی و حساس و مهم کشور علیرغم حملات خصمانه و مخرب دشمن و استمرار فعالیت­ها و خدمات زیربنایی و تأمین نیاز­های حیاتی و تداوم اداره­ی کشور در شرایط بحرانی ناشی از جنگ است.

 هم اکنون جنگ نرم به عنوان آلترناتیو[[10]](#footnote-10)(جانشین) واقعی جنگ­های کلاسیک و نظامی مورد استفاده کشورها و دول متخاصم قرار می­گیرد. نمونه اخیر جنگ را می­توان در سطح گسترده در فتنه پس از انتخابات 1388 جستجو کرد. جنگ نرم کلیه­ی مؤلفه­های یک جنگ تمام عیار را برای شکست دادن دشمن داراست. ماهواره­ها، سایت­های ضدانقلابی، تحلیل­های سیاسی هراس­انگیز و قطعنامه­ها ابزار جنگی دشمن هستند. پدافند عامل این ابزار نیز ماهواره­ها، سایت­های خودی و حتی بعضی امور فنی مانند ارسال پارازیت و مقابله با سایت­های مخرب و دروغ­پرداز است.

 عوارض و پیامد­های جنگ سخت در شکل تلفات جانی و مالی و از بین رفتن سرمایه­های ملی قابل مشاهده است. برخلاف جنگ سخت، عوارض جنگ نرم عمدتاً با چشم قابل مشاهده نیست. جنگ نرم روی باورهای عمومی هدف­گذاری می­کند. متأسفانه این عوارض حتی پس از فروکش­کردن جنگ نرم در افکار عمومی باقی می ماند. در صورتی که توجهی جدی به این عوارض صورت نگیرد، ممکن است در آینده زمینه ساز فتنه و یا جنگ نرم دیگری شود. شهدای جنگ سخت بهشتی­اند و مورد احترام امّا شهدای جنگ نرم جهنمی­اند و منفور.(ویژه­نامه­ی خط­شکن، 1390).

 در ادامه مفهوم جهاد اکبر و اصغر را مورد بررسی و تطبیق با جنگ نرم و سخت قرار داده خواهد شد تا مشخص گردد آیا مفهوم جهاد اکبر هرچند با کمی اغماض قابلیت تطبیق با جنگ نرم را دارد یا خیر؟

 جهاد از ریشه­ی جهد، به معنی کوشش، تحمل سختی، حداکثر تلاش برای انجام کاری و جهاد، یعنی با همه توانایی و قدرت تلاش کردن و با مقاومت در مقابل همه­ی موانع به کوشش خود ادامه دادن. همچنان­که دستورات مکتب الهی اسلام که براساس فطرت انسان است شامل همه­ی ابعاد و نیازهای مادی و معنوی و عملی و فکری است. جهاد که یکی از مهمترین ارکان این آیین مقدس است، دارای گسترش خاص خود بوده و روابط فردی، اخلاقی، روحی، اجتماعی، اقتصادی، را در خود جای می‌دهد، همچنان­که یک دریای بزرگ همه­ی رودخانه‌های کوچک و بزرگ را در خود جای می‌دهد. اولین تقسیم جهاد این است که : جهاد بر دو قسم است : 1- جهاد اکبر 2- جهاد اصغر(khozzan.blogfa.com)

 تعریف جهاد اکبر را از زبان رسول خدا(ص) می‌شنویم : پس از پایان یکی از جنگ­های اسلام، حضرت محمد(ص) در جمع مجاهدینی که از نبرد بازگشته بودند فرمودند: «درود بر شما که جهاد اصغر را به پایان رساندید، اما جهاد اکبر را باید ادامه دهید؟ سؤال کردند : جهاد اکبر کدامست؟ فرمود : جهاد با نفس»(حرّعاملی، 1413: ج11، 122 ).

 جهاد اکبر رسالتی است بر دوش همه­ی انسانها، زن، مرد، جوان، پیر، عالم، جاهل و... زمان جهاد اکبر شامل همه­ی لحظات زندگی تا مرگ است(سنت امتحان و آزمایش و فتنه) و مکانش در همه­جا است. «اسلحه­ی» این جهاد ایمان و تقوی، و طرح نقشه­ی آن کلام خدا، و فرمانده­ی آن پیشوایان مکتب‌اند. در این میدان هر سرباز باید با آگاهی و انتخاب آزادانه و به­طور داوطلبانه شرکت کند. در این نبرد، کوچکترین تلاشی، بزرگترین پاداش­ها را دارد و پاداش نهایی رستگاری و سعادت دنیا و آخرت است. عدم حضور در این میدان نبرد برابر است با تسلیم پلیدترین دشمن، یعنی شیطان و نابودی و هلاکت.

 در این میدان نبرد، دشمن دست به هزاران نیرنگ و فریب می‌زند و هر قدر ضربه خورد باز تجدید قوا می‌کند. بنابراین مجاهد همواره باید آماده­ی نبرد باشد و اسلحه­ی خود را برگیرد.

درباره­ی جهاد اکبر جملاتی از امام خمینی بیان می‌کنیم و این سخن اساسی را به این اختصار پایان می‌دهیم:

 «این بشر است که چون اصلاح نشده و جهاد سازندگی نکرده از همه­ی حیوانات سبع‌تر است، آنقدر که این حیوان دوپا در عالم فتنه و فساد می­کند هیچ موجود دیگری نمی‌کند، و آنقدر که این حیوانات دوپا محتاج تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست»

 سؤال اینکه : آیا باید ابتدا جهاد اکبر(جنگ نرم) را انجام داد و پس از آن به جهاد اصغر(جنگ سخت) پرداخت؟ یا بالعکس، باید ابتدا به جهاد اصغر پرداخت و سپس بسوی جهاد اکبر رفت؟ و بالاخره آیا رابطه و پیوند این دو چگونه است؟

 در پاسخ باید یادآور شد که، نتیجه­ی جهاد اکبر، از بین بردن خصوصیات شیطانی و پلید حیوانی و رشد صفات اخلاقی متعالی و ملکات روحانی و یا بطور خلاصه ایمان است، و نتیجه­ی جهاد اصغر، نابودی انسانهای شیطان صفت و ایجاد جامعه­ی صالح براساس عدالت و قسط می‌باشد، و رابطه این دو با یکدیگر همچون رابطه­ی ایمان و عمل صالح است که هر دو لازم و ملزوم یکدیگر بوده و اصولاً جدایی آنها امکان پذیر نیست.

 جهاد اکبر و جهاد اصغر همچون دو بال یک پرنده هستند که برای رشد انسان بسوی خدا پیوند ناگسستنی دارند. امام علی(ع) پیوند ایمان و عمل صالح را اینگونه بیان می‌دارد:

 «بالایمان یستدل بالصالحات و بالصالحات یستدل بالایمان»(دشتی، 1386: 214)

 به­وسیله­ی ایمان راستین، اعمال صالح و خدای پسند انجام می‌گیرد و در سایه­ی انجام اعمال صالح، ایمان نیز رشد می‌کند.

 بنابراین جهاد اکبر زمینه­ساز نبرد انسان با کفار و منافقین، یعنی جهاد اصغر است و نیز میدان گسترده­ی نبرد و جهاد اصغر، عالی‌ترین عامل رشد ایمان و صفات معنوی است.

**5. نتیجه­گیری**

از مطالب ارائه شده در پژوهش حاضر نتایج ذیل، حاصل گردید:

1- جنگ نرم از همان آغاز آفرینش بشر وجود داشته؛ اغوای حضرت آدم و حوا توسط شیطان را می­توان یکی از اشکال جنگ نرم دشمن(شیطان) دانست.

2- تاریخ اسلام شاهد بسیاری از موارد اشکال جنگ نرم دشمن بوده است؛ جنگ­ اُحد، جمل، نهروان و صفین از جنگ­هایی هستند که عملیات روانی در آنها مؤثر افتاده و حتی واقعه­ی کربلا نیز، از پیامدهای جنگ نرم دشمن بوده­است. از سوی دیگر می­توان پیروزی­های پیامبر در جنگ­ها را نتیجه­ی بکارگیری عملیات­های روانی و جنگ­های همه جانبه­ی ایشان دانست؛ جنگ­های احزاب(خندق)، فتح مکه از این نمونه­هاست.

3- موضع اسلام و شهیدانی همچون سرداز سلیمانی نسبت به جنگ نرم حساس­تر از جنگ سخت بوده­است. ترور شخصیت سردار بعد از شهادت ایشان مزید بر علت مسأله است.

4- می­توان گفت موضع اسلام در قبال جنگ نرم همان موضع فتنه و لزوم جهاد اکبر(جنگ نرم) با این جنگ، قبل از جهاد اصغر(جنگ سخت) می­باشد.

**منابع و مآخذ**

**1. منابع فارسی**

1. آشوری، داریوش(1378) دانشنامه­ی سیاسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارت مروارید، ص11

2. آقابخشی، علی(1373) فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران: انتشارت مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ص246

3. بیرو، آلن(1375) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه­ی باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان، ص449

4. الحرّ العاملی، محمدبن­حسن(1413ق) وسایل الشیعه، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج11ص122

5. دهخدا، علی­اکبر(1377) لغت­نامه­ی دهخدا، چاپ دوم، تهران: مؤسسه­ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج5 ص7878

6. دشتی، محمد(1386) ترجمه­ی نهج­البلاغه، چاپ سوم، تهران: پیام عدالت، صص 214، 92، 73

7. طباطبائی، سیدمحمدحسین(1414) المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: جامعه­ی مدرسین، ج16، ص 99، ج9، ص 1175-1149

8. طلاس، مصطفی(1354) پیامبر و آیین نبرد، ترجمه­ی حسن ­اکبری مرزناک، تهران: بعثت، ص516، 515

9. طبرسی، فضل­بن­حسن(1379) مجمع البیان فی­التفسیر القرآن، قم: نشر معروف، ج2، ص849

10. علوی­فر، بی­بی سکینه(1390) پیامدهای مثبت و منفی فتنه با نگاهی بر قرآن و حدیث با تأکید بر جنگ نرم، نشریه­ی

 الکترونیکی برهان(http://quran.aqlibrary.ir)

11. ماه­پیشانیان، مهسا(1387) راهکارهای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه­ی عملیات روانی، سال

ششم، شماره­ی22

12. متفکر، حسین(1381) جنگ روانی، چاپ اول، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ نمایندگی ولی فقیه، ص17

13. معلوف، لویس(1382) المنجد فی اللغه و اعلام، ترجمه­ی محمد بندرریگی، چاپ چهارم، تهران: نشر ایران، ص368

14. منتظرالقائم، اصغر(1386) تاریخ اسلام(از آغاز تا سال چهلم هجری)، چاپ سوم، اصفهان: دانشگاه اصفهان، تهران: سمت،

ص339-336

15. مجلسی، محمدباقر(1363) بحار الأنوار، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج32، ص617

16. نجفی، محمدحسن(1365) جواهرالکلام، چاپ دوم، تهران: مؤسسه­ی دارالکتب الإسلامیه، ج21، ص80

17. نائینی، علی­محمد(1389) درآمدی بر ماهیت­شناسی جنگ نرم، فصصلنامه­ی راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره­ی28

18. واقدی، محمدبن­عمر(1388) المغازی؛ تاریخ جنگ­های پیامبر اکرم، ترجمه­ی محمود مهدوی­دامغانی، چاپ دوم، تهران:

مرکز نشر دانشگاهی،ج1، ص232

19. وصیت­نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی(مرکزفرهنگی قرآن وعترت نهادنمایندگی مقام معظم رهبری دردانشگاه علوم پزشکی تهران)

**2. منابع انگلیسی**

 به نقل از علی­محمد نائینی

 1. Nye, Joseph S (2004), Soft Power: the Means to Success in World Politics, New York,

Public Affairs.

2. Melton, W and et.al (2005), Communication and Elites, the Journal of Social and

 Personality Psychology, Vol. 33.

1. \*کارشناس ارشد روانشناسی و مشاور خانواده کلنیک اندیشه نیک بندرعباس Soleimanihamid@gmail.com.Tel:09177654523

\* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه ایلام

 d.saeedi@yahoo.com/Tel:09174575945

 [↑](#footnote-ref-1)
2. 1 Gaston Bouthoul [↑](#footnote-ref-2)
3. 2 Sun Tzu [↑](#footnote-ref-3)
4. 3 Mao Tse-tung [↑](#footnote-ref-4)
5. 1 John Collins [↑](#footnote-ref-5)
6. 2 Joseph Nye [↑](#footnote-ref-6)
7. 1 Melton and et.al [↑](#footnote-ref-7)
8. کاریزماتیک (Charismatic) یا (رهبری کاریزماتیک) در اصطلاح سیاست به حکومتی مبتنی بر فرمانبرداری غیرعادی و استثنایی از یک فرد به خاطر تقدّس دینی و الگوبودن وی می­باشد (Wikipedia.org). [↑](#footnote-ref-8)
9. مذبذب در لغت یعنی در شک و تردید افتاده(بندرریگی به نقل از معلوف، 1382: 510) [↑](#footnote-ref-9)
10. 1 Alternative [↑](#footnote-ref-10)